

فصلنامه علمی - تخصصی
مطالعات قرآنی نامه جامعه
سال نوزدهم - شماره ۱۳۹
پاییز ۱۴۰۰

بررسی و نقد دلیل آیت الله خویی رحمته الله علیه بر محدودیت تعداد آیات منسوخ

سمانه توکلی^۱
مریم توحیدی^۲

چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی دلیل آیت الله خویی رحمته الله علیه بر محدودیت تعداد آیات منسوخ انجام شده است. بررسی دیدگاه ایشان درباره نسخ، نشان می‌دهد دلیل ایشان بر این محدودیت، انکار نسخ در مواردی است که آیه ناسخ بر آیه منسوخ ناظر نیست و معیار «ناظر بودن»، آن است که اگر آیه منسوخ نباشد؛ معنای آیه ناسخ به تنهایی مبهم است و برای کامل شدن به آیه منسوخ نظر دارد. سبب اصلی این انکار، لزوم پذیرش اختلاف میان این گونه آیات ناسخ و منسوخ است؛ در حالی که خداوند متعال در آیه ۸۲ سوره نساء نبودن اختلاف در قرآن را دلیل الهی بودن آن بیان فرموده و حتی گروهی از مفسران، از جمله آیت الله خویی رحمته الله علیه، آن را از وجوه اعجاز قرآن می‌دانند. در بررسی دلیل ایشان، به روش توصیفی - تحلیلی و با بیان دیدگاه مفسرانی همچون علامه طباطبایی رحمته الله علیه درباره رابطه تنافی میان آیات ناسخ و منسوخ، بررسی مفهوم اختلاف بین دو آیه و با تکیه بر تعریف تناقض در منطق و تعریف تعارض در علم اصول، این نتیجه به دست آمد که تنافی میان آیات ناسخ و منسوخ، تنافی ظاهری است و از مصادیق اختلاف بین دو آیه محسوب نمی‌شود و به نظر می‌رسد دلیلی بر انکار نسخ در این گونه آیات وجود ندارد.

واژگان کلیدی: نسخ، آیت الله خویی رحمته الله علیه، آیه ناظر، عدم اختلاف در قرآن، تعارض ظاهری آیات..

۱. دانش‌آموخته و پژوهشگر حوزه آزاد، سطح ۲ جامعه الزهراء رحمته الله علیه؛ (نویسنده مسئول) samaneh.tavakkoli@gmail.com

۲. فاضل حوزوی جامعه الزهراء رحمته الله علیه؛ mtohidil334@gmail.com

مقدمه

مسئله نسخ، یکی از مسائل مهم و پیچیده علوم قرآن است که دیدگاه‌های متفاوتی درباره آن ارائه شده است؛ به گونه‌ای که گروهی به کلی منکر آن شدند و گروهی چنان دامنه آن را گسترش دادند که تعداد آیات منسوخ را فراتر از تعداد آیات احکام دانسته‌اند. اگر چه نظر مشهور اعتقاد به وقوع نسخ در قرآن است، اما برخی محققان معاصر علوم قرآن از جمله آیت‌الله خویی رحمته‌الله به محدودیت تعداد آیات منسوخ تمایل نشان داده‌اند.

در طول تاریخ، یهود و نصاری منکر نسخ در ادیان الهی بوده‌اند؛ ولی پدیده نسخ در صدر اسلام میان مسلمین مورد پذیرش همگان بود تا اینکه اولین بار ابومسلم اصفهانی در قرن چهارم هجری، نسخ در شریعت اسلامی را انکار کرد. نظریه وی تا اواسط قرن چهاردهم طرفدار چندانی نداشت، اما به تدریج رواج بیشتری یافت. برخی تجدید حیات اندیشه وی را از سویی به علت افراط گروهی از محققان در تعداد آیات منسوخ و از سویی دیگر، حجمه‌های مستشرقان علیه اسلام دانسته‌اند. (مولایی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۲۷۴-۲۴۸) گروهی از مستشرقان، نسخ را به عنوان راه حل مسلمانان برای رفع تعارض‌های قرآن معرفی کرده‌اند. آن‌ها تعارض‌های مورد ادعای خود را دلیلی بر تحریف قرآن دانسته‌اند و از این طریق قصد دارند در حقانیت کتاب قرآن خدشه وارد کنند. (رضایی اصفهانی و شاه‌بیگی، ۱۳۹۷، ص ۶۵) نولدکه، مستشرق معروف آلمانی می‌گوید: «تمام همت مفسران متأخر، رهایی از تناقضات متعددی است که در قرآن وجود دارد... این مفسران یا توانسته‌اند این تناقضات را حل کنند و یا در آیاتی که تناقض شدیدی با هم داشته‌اند، به نسخ اعتراف کرده‌اند». (همان)

برخی مسلمانان در پاسخ به شبهات این گروه، وجود آیات منسوخ در قرآن را انکار کرده‌اند و یا سعی دارند تا حد امکان پدیده نسخ را از ساحت قرآن بزدایند، اما توجه به نظر مشهور در امکان وقوع پدیده نسخ حائز اهمیت است. بدون شناخت کامل نسخ، عرصه‌های قانون‌گذاری اسلامی، تفسیر آیات قرآن، استنباط احکام و دسترسی به مقاصد خداوند، با مشکل جدی روبه‌رو خواهند شد. (مولایی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۴۳-۳۰) بنابراین تبیین مفهوم نسخ و

زدودن شبهه تناقض از ساحت آن، امری ضروری به نظر می‌رسد.

آیت‌الله خویی رحمته‌الله وقوع نسخ در قرآن را تنها در مواردی که آیه ناسخ ناظر بر آیه منسوخ است، پذیرفته است. معیار «ناظر بودن» آن است که اگر آیه منسوخ نباشد، آیه ناسخ حالت ابهام پیدا می‌کند و آیه ناسخ، به‌گونه‌ای مطرح شده است که حالت تکمیلی یا تدارک گذشته را دارد؛ اما ایشان وقوع نسخ در مواردی که تنها به جهت تنافی میان مدلول دو آیه، آیه متأخر را به عنوان ناسخ آیه متقدم در نظر گرفته شده، نفی کرده و کسانی را که این دسته از آیات را به عنوان ناسخ و منسوخ پذیرفته‌اند، ملتزم به پذیرش وجود اختلاف میان آیات قرآن دانسته است. (خویی، ۱۴۱۸، ص ۲۸۶) این در حالی است که خداوند متعال نبودن اختلاف در قرآن را دلیل الهی بودن آن بیان کرده است^۱ و گروهی از قرآن‌پژوهان و مفسران نیز عدم اختلاف در قرآن را از وجوه اعجاز آن برشمرده‌اند. (خویی، ۱۴۱۸، ص ۵۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۶) بنابراین با پذیرش اختلاف میان آیات، الهی بودن و اعجاز قرآن مورد تردید جدی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد به همین دلیل است که آیت‌الله خویی رحمته‌الله پذیرش نسخ در آیات غیر ناظر را به منزله پذیرش اختلاف در قرآن دانسته و وقوع نسخ در این آیات را منکر شده است و در نتیجه این انکار، تعداد آیات منسوخ در قرآن از دیدگاه ایشان بسیار محدود شده است.

مقاله‌ها و کتاب‌های زیادی با موضوع نسخ به نگارش درآمده است که از جمله می‌توان به کتاب نقد و بررسی نظریه انکار نسخ در قرآن اثر عزت‌الله مولایی نیا اشاره کرد که در آن امکان عقلی وقوع نسخ و شبهات پیرامون آن و اثبات نسخ در قرآن مورد بررسی قرار گرفته است. مقاله «بررسی مفهوم و شروط نسخ از دیدگاه آیت‌الله خویی رحمته‌الله» اثر محمدرضا شاهرودی و رضا قربانی نیز به بررسی شرایط نسخ از دیدگاه آیت‌الله خویی رحمته‌الله پرداخته است. در بررسی پیشینه این موضوع، مقاله‌ای که به طور مستقیم به بررسی رابطه نسخ و اختلاف در قرآن بپردازد و نتایج آن را در بیان آیت‌الله خویی رحمته‌الله مورد مطالعه قرار دهد؛ یافت نشد. در این

۱. نساء: ۸۲، «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا».



مقاله سعی شده است با روش توصیفی. تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای، به بررسی دلیل آیت‌الله خویی رحمته‌الله در محدودیت تعداد آیات منسوخ پرداخته شود و به این سؤال پاسخ دهد که تنافی میان آیات ناسخ و منسوخ با اختلاف در آیات چه رابطه‌ای دارد. تبیین این رابطه در اثبات الهی بودن قرآن و بنا بر نظر گروهی از قرآن پژوهان در اثبات یکی از وجوه اعجاز قرآن، اهمیت بسزایی دارد. به همین منظور ابتدا دیدگاه آیت‌الله خویی رحمته‌الله درباره نسخ و دلیل ایشان در محدودیت تعداد آیات منسوخ تبیین شده و به بررسی نظر علامه طباطبایی رحمته‌الله درباره تنافی میان آیات ناسخ و منسوخ و رابطه آن با اختلاف پرداخته می‌شود. سپس رابطه نسخ و تعارض از نظر مبانی اصولی و منطقی بیان شده و دیدگاه آیت‌الله خویی رحمته‌الله بررسی می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی نسخ

نسخ در لغت به معانی مختلفی مانند ازاله امری که بدان عمل می‌شده، (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۰۱) تبدیل چیزی به چیزی به طوری که شیء دوم غیر از شیء اول باشد و انتقال چیزی از جایی به جای دیگر آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۶۱ و ۶۲) پژوهشگران تعریف‌های بسیاری از نسخ را ارائه کرده‌اند. برای مثال آیت‌الله خویی رحمته‌الله نسخ را این‌گونه تعریف کرده است: «نسخ عبارت است از برداشتن امر ثابت در شریعت مقدس به سبب پایان مدت و زمان آن، خواه امر ثابت مربوط به احکام تکلیفی باشد یا وضعی و یا از مناصب الهی یا غیر آن از اموری که به خداوند مربوط است، از آن جهت که شارع است.»^۱ (خویی، ۱۴۱۸، ص ۲۷۶) علامه طباطبایی رحمته‌الله نیز نسخ را به معنای آشکار کردن پایان مدت حکم و تمام شدن أجل آن دانسته است.^۲ (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۴۹)

۱. «هو رفع امر ثابت فی الشرعیه المقدسه بارتفاع آمده و زمانه سواء كان ذلك الأمر المرتفع من الأحكام التکلیفیه أم الوضعیه و سواء أكان من المناصب الإلهیه أم غیرها من الأمور اللتی ترجع إلى الله بما أنه الشارع».

۲. «الایانه عن انتها امد الحكم و انقضاء اجله».

۲. نظریه نسخ از دیدگاه آیت‌الله خوئی رحمته‌الله

آیت‌الله خوئی رحمته‌الله در مقدمه یازده فصل کتاب *البيان في تفسير القرآن* به دفاع از دیدگاه‌های تشیع در زمینه مباحث علوم قرآن پرداخته و فصلی مجزا را به بحث نسخ اختصاص داده است.

۲/۱. امکان نسخ

آیت‌الله خوئی رحمته‌الله جواز نسخ به معنای «رفع حکم از موضوعش در عالم تشریح و انشاء» را مورد اتفاق عقلای عالم می‌داند، یهود و نصاری را مخالفان آن معرفی می‌کند و سرچشمه انکار نسخ را شبهه‌ای سست می‌داند. منکران امکان نسخ می‌پندارند پذیرش نسخ، مستلزم نفی حکمت خداوند یا اقرار به جهل خداوند به مصلحت حکم پیشین است. از نظر آنان تشریح حکم پیشین، از ابتدا بر اساس حکمت بوده است و تشریح حکم جدید، اگر همراه با بقای مصلحت حکم قبلی باشد؛ خلاف حکمت خداوند است و اگر از جهت آشکار شدن عدم مصلحت آن بر خداوند باشد، مستلزم جهل او خواهد بود که هر دو محال است. بر خلاف آنچه آنان می‌پندارند، گاهی حکمی از روز نخست مقید به زمانی خاص بوده است؛ هر چند مردم از موقتی بودن حکم مطلع نباشند، حکم جدید با گذشت زمان حکم قبلی و نسخ آن جعل می‌شود و هر دو تابع مصلحت است. گاهی هم هدف از تشریح حکمی اجرا شدن آن نیست؛ بلکه منظور دیگری مانند امتحان افراد مد نظر است. ایشان سپس برای تأیید ادعای خود و رد ادعای منکران نسخ از یهود و نصاری به مواردی از نسخ در تورات اشاره می‌کند. آیت‌الله خوئی رحمته‌الله معتقدند در اعتقاد به وقوع نسخ میان مسلمانان اختلافی نیست و بسیاری از احکام شریعت‌های پیشین با احکام اسلام و برخی از احکام شریعت اسلام نیز با حکمی دیگر نسخ شده است؛ مانند تغییر قبله که قرآن به نسخ حکم نخستین قبله تصریح می‌کند. سخن در این است که آیا بعضی از احکامی که در قرآن بیان شده است، با آیات دیگر یا سنت قطعی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا با اجماع و عقل نسخ می‌شود؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا اقسام نسخ در

قرآن را عنوان مقدمه بیان می‌کند. (خویی، ۱۴۱۸، ص ۲۷۹-۲۷۷)

۲/۲. اقسام نسخ در قرآن

آیت الله خویی رحمته الله علیه سه قسم برای نسخ بیان کرده است:

- **نسخ در تلاوت:** برخی ادعا می‌کنند آیاتی در قرآن وجود داشته است که تلاوت آن نسخ شده است، ولی به حکم آن عمل می‌شود؛ مانند آیه‌ای تحت عنوان رجم.
- **نسخ در تلاوت و حکم:** مدعیان وجود این‌گونه از نسخ، معتقدند آیاتی وجود داشته است که تلاوت و حکم آن نسخ شده است.
- **نسخ حکم بدون تلاوت:** بیشتر دانشمندان و مفسرین این نوع نسخ را می‌پذیرند.

آیت الله خویی رحمته الله علیه امکان دو قسم اول از نسخ را نمی‌پذیرند و پذیرش آن را مستلزم عقیده به تحریف قرآن می‌دانند و چون به اجماع مسلمانان، نسخ قرآن با خبر واحد امکان ندارد و آیات ادعایی در دو مورد گذشته با خبر واحد بیان شده است، آن را منسوخ نمی‌شمارند. مشهور علما و مفسران، امکان وقوع قسم سوم از نسخ در قرآن را پذیرفته‌اند. همچنین وجود آیاتی که احکام ثابتی در شریعت‌های گذشته یا در اسلام را نسخ کرده‌اند، مورد قبول آنان است؛ اما در وجود آیات منسوخ در قرآن اختلاف دارند. آیت الله خویی رحمته الله علیه در توضیح قسم سوم از اقسام نسخ، نسخ حکم ثابت در قرآن را به سه گونه تقسیم می‌کند:

الف) حکمی که با قرآن ثابت شده است، با سنت متواتر یا اجماع قطعی کاشف از رأی معصوم علیه السلام نسخ گردد که ایشان امکان آن را از دیدگاه عقل و نقل بدون اشکال می‌داند؛
ب) حکمی که با قرآن ثابت شده است، توسط آیه‌ای دیگر که ناظر به حکم آیه منسوخ است؛ نسخ شود و آیه ناسخ بیان‌کننده رفع حکم آیه پیشین باشد. امکان این قسم نیز اشکالی ندارد و مثالی که برای آن آورده می‌شود، آیه نجوی است؛

ج) حکم ثابت در قرآن به وسیله آیه‌ای که ناظر به حکم آیه پیشین نیست و بیان‌کننده رفع آن نمی‌باشد، نسخ شود و تنها به دلیل وجود تنافی میان دو آیه به ناسخ بودن آیه متأخر حکم شود.



آیت الله خویی رحمته الله علیه در ادامه چنین می‌نگارد:

تحقیق و بررسی نشان می‌دهد این قسم از نسخ در قرآن وجود ندارد؛ زیرا قرآن هر گونه تنافی و اختلاف را از خود نفی می‌کند و خداوند می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾. (نساء: ۸۲) با این حال بسیاری از مفسران و دیگران در معنای آیات کریمه قرآن، آن گونه که شایسته بود، درنگ نکردند و پنداشتند که بین بسیاری از آیات تنافی وجود داشته و به سبب همین تنافی آیه پسین را ناسخ آیه پیشین دانستند ... منشأ این عقیده، عدم تدبر دقیق یا تسامح در اطلاق واژه نسخ به ملاحظه معنای لغوی آن است. (خویی، ۱۴۱۸، ص ۲۸۶، ۲۸۳)

ایشان وقوع نسخ را در مواردی که آیه ناسخ ناظر به آیه منسوخ نیست، به سبب لزوم پذیرش اختلاف میان دو آیه انکار می‌کند.

معیار ناظر بودن، آن است که اگر حکم اول (منسوخ) نباشد، حکم دوم حالت ابهام پیدا می‌کند؛ زیرا آیه دوم به گونه‌ای مطرح شده است که آیه اول باعث رفع ابهام و تکمیل آن می‌شود؛ به عنوان مثال ابتدا آیه ۱۲ سوره مجادله نازل و واجب شد که قبل از نجوای با پیامبر صلی الله علیه و آله صدقه پرداخت شود؛ سپس به وسیله آیه ۱۳ همان سوره وجوب پرداخت صدقه نسخ گردید. در این مورد اگر کسی به معنای آیه ۱۲ توجه نکند، معنای آیه ۱۳ (ناسخ)، به تنهایی مبهم است و آیه ۱۳ برای کامل شدن به آیه ۱۲ نظر دارد. (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۲۶۲؛ خویی، ۱۴۱۸، ص ۳۷۵)

۲/۳. تبیین دلیل آیت الله خویی رحمته الله علیه بر محدودیت تعداد آیات منسوخ

آیت الله خویی رحمته الله علیه تعداد آیات منسوخ را محدود می‌داند و مواردی را که آیه ناسخ ناظر بر آیه منسوخ نیست، از شمول نسخ خارج می‌کنند. مهم‌ترین دلیل ایشان بر انکار نسخ در این گونه موارد، پذیرش وجود اختلاف در قرآن است. ایشان همه کسانی را که به وجود چنین آیات منسوخی در قرآن معتقدند، ملتزم به پذیرش وجود اختلاف در قرآن دانسته است؛ در

حالی که خداوند متعال نبودن اختلاف در قرآن را دلیل الهی بودن قرآن بیان فرموده و حتی گروهی از مفسران آن را از وجوه اعجاز قرآن می‌دانند. البته همه قرآن پژوهان عدم اختلاف را از وجوه اعجاز قرآن ذکر نکرده‌اند.

گروهی درباره معجزه بودن و نبودن آن اظهار نظر نکرده‌اند.^۱ گروه دوم با وجود تأکید بر عدم اختلاف در قرآن، آن را از وجوه اعجاز نمی‌شمارند؛ زیرا کلمات فصیحان و بلیغان در بسیاری از موارد خالی از تناقض است.^۲ سید مرتضی می‌نویسد: «شکی نیست که عدم اختلاف از فضایل قرآن و از نشانه‌های آن است، اما امری فوق توان بشر نیست تا از وجوه اعجاز قرآن باشد؛ زیرا محال نیست بشر بتواند با دقت در کلام خویش، سخنی بدون تناقض بیاورد». (علم‌الهدی، ۱۴۱۱، ص ۴۰۳ و ۴۰۴) گروه سوم که آیت‌الله خویی رحمته‌الله‌علیه نیز در این گروه قرار دارد، عدم اختلاف را از وجوه اعجاز قرآن به شمار آورده‌اند و آوردن کتابی با تمام ویژگی‌های قرآن، در عین حال بدون اختلاف را فوق توان بشر دانسته‌اند و معتقدند قرآن به این ویژگی خود تحدی کرده است.^۳

آیت‌الله خویی رحمته‌الله‌علیه یکی از ابعاد اعجاز قرآن را نبودن اختلاف در آیات قرآن و استقامت بیان آن دانسته‌اند؛ چون قرآن کتابی است که در همه شئون زندگی انسان به طور وسیع وارد شده و از مسائل مختلفی چون توحید، نبوت، سیاست، اداره مدن، مسائل اخلاقی، کیهان‌شناسی، تاریخ، قواعد جنگ و صلح، موجودات آسمانی و زمینی سخن گفته است؛ در حالی که در طول ۲۳ سال و در حوادث گوناگون نازل شده است و این عدم اختلاف در آیات آن، روشن خواهد کرد که قرآن از ناحیه خداوند بزرگ نازل شده و آوردن چنین کتابی بدون اختلاف از قدرت بشر خارج است. (خویی، ۱۴۱۸، ص ۵۹-۵۷) از آنجا که ایشان معتقد است پذیرش نسخ در آیات غیر ناظر به معنای پذیرش اختلاف در قرآن است و با پذیرش اختلاف در قرآن، الهی بودن

۱. برای مثال زرکشی در البرهان این بحث را مستقل از اعجاز و در عنوانی جداگانه ذکر کرده است. (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۶)

۲. از جمله زرکانی و ملاصدرا در این گروه جای دارند. (زرکانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۹؛ صدرالمألهین شیرازی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۲۸)

۳. به عنوان نمونه علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه در این گروه جای دارند. دقت شود بحث اعجاز از دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه خود مقاله جداگانه‌ای می‌طلبد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۷ و ج ۱۲، ص ۱۰۵)

آن و یکی از جنبه‌های اعجاز آن خدشه‌دار می‌شود؛ وجود چنین آیات منسوخی در قرآن را انکار می‌کند. کسانی که با ایشان در این زمینه هم‌نظر نیستند، در مواردی که ظاهر دو آیه با یکدیگر تعارض دارد و بر اساس قواعد جمع عرفی نتوان بین مدلول دو آیه جمع کرد؛ هر کدام را که مؤخر باشد، ناسخ فرض می‌کنند؛ هرچند آیه ناسخ ناظر بر آیه منسوخ نباشد. (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۳۱۰) به عبارت دیگر در صورت مواجهه محقق با دو آیه به ظاهر متعارض، اگر آیه متأخر ناظر بر آیه متقدم باشد؛ در این صورت همه قائلان به نسخ، به ناسخ بودن آیه دوم حکم کرده‌اند؛ زیرا بدون آیه اول، آیه دوم حالت ابهام پیدا می‌کند و آیه دوم به‌گونه‌ای مطرح شده است که حالت تکمیلی یا تدارک گذشته را دارد. در صورتی که آیه دوم ناظر به آیه اول نباشد، به مجرد تنافی بین دو آیه، به ناسخ بودن آن حکم شده است و آیت‌الله خویی رحمته‌الله به همین دلیل نسخ در این آیات را نمی‌پذیرد و پذیرش نسخ در این آیات را به معنای پذیرش اختلاف در قرآن و مخل اعجاز آن می‌داند.



۳. رابطه نسخ و اختلاف از دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله

قرآن کریم برای اثبات الهی بودن خود، به عدم وجود اختلاف در درون خود تصریح دارد و می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء: ۸۲) اختلاف مصدر باب افتعال از ریشه «خ ل ف» است. خلف در اصل به معنای پشت سر هم آمدن دو چیز و نشستن یکی در جای دیگری، پشت سر و تغییر آمده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۱۱) اختلاف نیز به معنای جمع نشدن چیزی با چیز دیگر، به طوری که هر کدام راهی غیر از راه دیگری در پیش بگیرد و ضد اتفاق آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۹۴)

مفسران در تفسیر عدم اختلاف در قرآن، آرای گوناگونی دارند. گروهی اختلاف را به معنای تناقض حق و باطل گرفته و عدم اختلاف در قرآن را به معنای نفی وجود باطل گرفته‌اند. گروهی معتقدند اختلاف در درجات بلاغت، مد نظر است و قرآن از این نظر اختلافی ندارد و گروهی معتقدند اختلاف به معنای تناقض است و در نتیجه ساحت قرآن از هر گونه تناقض



منزه است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۲۵) عده‌ای از مفسران در بیان مصادیق اختلافی که از قرآن نفی شده است، به شبهه وجود تناقض میان آیات ناسخ و منسوخ پرداخته و تصریح کرده‌اند که اختلاف در احکام از تناقض در حکم شمرده نمی‌شود؛ بلکه تغییر حکم به سبب دگرگون شدن شرایط و مصالح است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۲۶؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۴۸۴) برخی محققان علوم قرآن نیز در کتب خود تصریح کرده‌اند وجود آیات منسوخ، بیانگر تناقض در کلام خدا نیست. (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۸۳)

علامه طباطبایی رحمته الله از جمله مفسران قائل به وقوع نسخ در قرآن است. ایشان هر گونه اختلاف حقیقی را از قرآن نفی، و به لسان تحدی داشتن آیه شریفه ۸۲ نساء تصریح کرده و عدم اختلاف را از وجوه اعجاز قرآن شمرده است؛ (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۷ و ج ۱۲، ص ۱۰۵)^۱ چون آوردن کتابی مانند قرآن با تمام ویژگی‌های آن از جمله فراوانی و تنوع موضوعات در عین استحکام و نزول در شرایط گوناگون فردی و اجتماعی و با توجه به ویژگی‌های انسان که محکوم به عالم طبیعت است، از توان بشر عادی خارج است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۲۰) علامه طباطبایی رحمته الله درباره نفی هر گونه اختلاف از قرآن می‌نویسد: «فالأیات یصدق قدیمها حدیثها و یشهد بعضها علی بعض من غیر أن یکون بینها أی اختلاف مفروض لا اختلاف التناقض بأن ینفی بعضها بعضاً أو یتدافعا و لا اختلاف التفاوت بأن یتفاوت الآیاتان من حیث تشابه البیان أو متانة المعانی و المقاصد بكون البعض أحکم بیاناً و أشد رکناً من بعض»^۲. ایشان به این شبهه که وجود آیات ناسخ و منسوخ در قرآن نشانه اختلاف در نظر است، این‌گونه پاسخ می‌دهد: «نسخ نه از نسخ تناقض‌گویی و نه از قبیل اختلاف در نظریه و حکم است؛ بلکه نسخ ناشی از اختلاف در مصداق است. به این معنا که یک مصداق، در شرایط معینی ممکن است دارای مصالحی باشد که حکم خاصی به آن تعلق گیرد و همین که در اثر

۱. رک: ص ۵، پاورقی ۴.

۲. آیات جدید آیات قدیم را تصدیق و هر یک شاهد بر آن دیگری است، بدون اینکه هیچ‌گونه اختلافی در آن دیده شود، نه اختلاف تناقض به اینکه آیه‌ای، آیه دیگر را نفی کند و نه اختلاف تدافع که با هم سازگار نباشد و نه اختلاف تفاوت به اینکه دو آیه از نظر تشابه بیان و یا متانت معنا و منظور مختلف باشند و یکی بیانی متین‌تر و رکنی محکم‌تر از دیگری داشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۹)

تغییر شرایط مصالح مزبور از بین رفت، حکم نیز تغییر پیدا می‌کند». (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۷) در اندیشه علامه طباطبایی رحمته الله علیه در صورتی دو آیه به عنوان ناسخ و منسوخ پذیرفته می‌شود که بر حسب ظهور لفظی با یکدیگر منافات داشته باشند، اما مقصود ایشان از اینکه دو نص با یکدیگر منافات داشته باشند، همانا تعارض ظاهری است؛ نه تعارض حقیقی. (اوسی، ۱۳۸۱، ص ۳۲۰) از نظر علامه طباطبایی رحمته الله علیه این‌گونه تعارض ظاهری، مبنای نسخ در آیات کتاب الهی است که در امور تکوینی نیز جریان دارد. البته ایشان بین تنافی میان آیات ناسخ و منسوخ و تنافی بین آیاتی همچون عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین... تفاوت قائل است؛ زیرا از نظر ایشان منافاتی که میان عام و خاص، مطلق و مقید و... دیده می‌شود، به وسیله ظهور لفظی بر طرف می‌شود؛ اما ناسخ و منسوخ در ظاهر با هم منافات دارند و چیزی که این منافات را بر طرف می‌کند، همان مصلحت و حکمت موجود در هر دو است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۵۲ و ۲۵۳)



۴. نقد دلیل آیت‌الله خویی رحمته الله علیه بر محدودیت تعداد آیات منسوخ

برای بررسی دیدگاه آیت‌الله خویی رحمته الله علیه درباره تنافی میان مدلول آیات ناسخ و منسوخ، در مواردی که آیه ناسخ ناظر بر آیه منسوخ نمی‌باشد؛ ابتدا به بررسی تنافی بین مدلول دو دلیل به لحاظ مبانی علم منطق و اصول پرداخته می‌شود. تنافی از «نفی» بدین معناست که دو چیز یکدیگر را نفی و طرد کنند. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۷۵) در اصطلاح نیز ناسازگاری میان مدلول دو دلیل را گویند. (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۳۶۴)

۴/۱. رابطه نسخ و تعارض به لحاظ علم منطق

در مباحث قبلی بیان شد که یکی از مصادیق اختلافی که در آیه شریفه ۸۲ سوره نساء از ساحت قرآن نفی شده است، اختلاف حقیقی و واقعی است که از آن در منطق به «تناقض» یاد می‌شود. در منطق، تحقق تناقض شروطی که گانه‌ای لازم دارد، از جمله وحدت زمان، وحدت شرط و ملاک و... (مظفر، ۱۳۸۲، ص ۱۶۹ و ۱۷۰)



از آنجا که زمان صدور آیه ناسخ و منسوخ یکی نیست و شرط وحدت زمان محقق نشده است، میان ناسخ و منسوخ تناقض و اختلاف واقعی وجود ندارد و اختلاف آن، ظاهری و صوری است و هر کدام متناسب با زمان خود دارای مصلحتی هستند. (مولایی نیا، ۱۳۹۰، ص ۳۲۷ و ۳۲۸) نکته قابل توجه این است که مترتب ساختن نسخ بر وقوع تعارض بین دو آیه، دلیلی بر این مطلب است که تعارض بین آیه ناسخ و منسوخ، تعارض حقیقی نیست. در واقع اتحاد زمانی بین دو حکم که شرط تحقق تعارض است، مانع نسخ است و اختلاف زمانی دو حکم که شرط وقوع نسخ است، مانع تعارض است. (مصطفی زید، بی تا، ص ۱۶۹) به بیان دیگر با توجه به اینکه بحث نسخ در جایی مطرح می شود که بین دو آیه تعارضی وجود داشته باشد، می توان از همین مطلب نتیجه گرفت که این تعارض، حقیقی نیست؛ زیرا اگر دو حکم همه شرایط تعارض از جمله اتحاد زمانی را داشته باشند، در این صورت یکی از شرایط نسخ را ندارند و از نسخ خارجند و اگر اختلاف زمانی داشته باشند، تعارض حقیقی ندارند. پس تنافی بین مدلول دو آیه که با قواعد جمع عرفی نیز بر طرف نشده و یکی از شرایط تحقق نسخ است، در صورت فرض اتحاد زمانی بین دو آیه محقق می شود و تنافی حقیقی نیست.

۴/۲. رابطه نسخ و تعارض به لحاظ علم اصول

در علم اصول فقه، بحث تنافی بین دو دلیل یا بین مدلول دو دلیل در مبحثی با عنوان «تعارض ادله» و یا «تعادل و ترجیح» مطرح می شود. برای بررسی تنافی میان دو آیه ناسخ و منسوخ، تبیین مفهوم تعارض در علم اصول، امری ضروری است.

۴/۲/۱. چیستی تعارض

تعارض مصدر باب تفاعل است که از ماده «عرض» به معنای اظهار کردن، مشتق شده و به معنای مقابله از نفوذ طرف مقابل آمده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۷۲) شیخ انصاری در تعریف تعارض که آن را به مشهور نسبت داده است، می فرماید: «تعارض عبارت است از ناسازگاری مدلول دو دلیل به گونه تناقض یا تضاد». (انصاری، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۱) آیت الله خوبی رحمته الله علیه

نیز همین تعریف را بیان کرده است.^۱ (خویی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۱۷) در مقابل شیخ انصاری که تعارض را از اوصاف مدلول دو دلیل می‌داند، آخوند خراسانی تعارض را تنافی دو دلیل در مقام دلالت و اثبات بر وجه تناقض یا تضاد می‌داند و موارد جمع عرفی از قبیل حکومت، تخصیص و تقیید را از شمول آن خارج می‌کند. (خراسانی، ۱۴۳۸، ج ۲، ص ۲۷۵) در صورتی که تعارض تنافی مدلول دو دلیل دانسته شود، به دو قسم تقسیم می‌شود:

الف) تعارض غیر مستقر: تعارضی بدوی که تنافی بین مدلول دو دلیل با تأمل و جمع بین دو دلیل برطرف می‌شود.

ب) تعارض مستقر: تنافی بین مدلول دو دلیل به گونه‌ای باشد که جمع عرفی بین دو دلیل امکان نداشته باشد. (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۶)

در صورت پذیرفتن تعریف آخوند خراسانی، تعارض غیر مستقر از اقسام تعارض مصطلح خارج می‌شود. پس از تعریف تعارض، جهت بررسی رابطه نسخ و تعارض اصولی، تنافی مطرح شده بین دو آیه ناسخ و منسوخ از دیدگاه شهید صدر بررسی می‌شود.

۴/۲/۲. رابطه نسخ و تعارض از دیدگاه شهید صدر

مشهور اصولیان از جمله شهید صدر، تعارض را دارای دو قسم مستقر و غیرمستقر می‌داند. ایشان در بحثی با عنوان «منشأ پیدایش تعارض بین احادیث»، یکی از عوامل تعارض میان احادیث نبوی را تغییر احکام شریعت از طریق نسخ دانسته و درباره تنافی بین آیه ناسخ و منسوخ به ارائه دیدگاه خود پرداخته است. از دیدگاه ایشان اگر نسخ را به معنای حقیقی آن، یعنی رفع حکمی بعد از وضع و تشریح بدانیم که امری معقول است و در احکام عرفی هم واقع می‌شود، در این صورت نسخ از باب تعارض و تنافی بین دو دلیل به حسب دلالت و مقام اثبات نخواهد بود؛ زیرا دلیل ناسخ تکذیب‌کننده دلیل منسوخ نیست؛ بلکه بر تبدیل حکم و تغییر آن به لحاظ ثبوتی دلالت می‌کند. بنابراین هر چند نسخ در شریعت از نوع اختلاف و تنافی در

۱. التعارض: تنافی مدلول دلیلین بالتناقض، كما اذا دل احدهما علی وجوب الشی و الاخر علی عدم وجوبه، او بالتضاد....



حکم است، اما این تنافی در عالم ثبوت است و از نوع تنافی در عالم اثبات نیست. اگر نسخ را به گونه‌ای تعریف کنیم که به تخصیص از نظر شاخص زمان باز گردد و آیه ناسخ پایان زمان حکم منسوخ را کشف کند، در این صورت تعارض میان دو دلیل ناسخ و منسوخ مانند تخصیص از نوع غیر مستقر به شمار می‌آید. در این حالت، معارضه بین اصل دلالت دلیل منسوخ بر دوام حکم و بین دلیل ناسخ رخ داده است و دلیل ناسخ عموم زمانی دلیل منسوخ را تخصیص می‌زند. (صدر، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۲۹ و ۳۰)

در توضیح دیدگاه شهید صدر، ذکر این نکته قابل توجه است که عالم اثبات و ثبوت در علوم مختلف استعمالات مختلفی دارد. در اصول فقه منظور از مقام ثبوت، مقام جعل و مقام مصلحت حکم است؛ اما مقام اثبات، مقامی است که مجعول برای مکلف بیان شده است.^۱ (مصطفوی، درس خارج فقه ۱۳۹۲/۱۲/۰۵)

تعارض، تنافی دو دلیل یا مدلول آن‌ها در عالم اثبات است. تعارض اصولی در حالتی محقق می‌شود که حکمی در مقام ثبوت یعنی مقام جعل حکم، جعل شده باشد؛ ولی در مقام اثبات یعنی مقامی که حکم برای مکلف بیان شده، با دو دلیل متعارض به مکلف رسیده باشد؛ یعنی در واقع یک حکم صادر شده است، ولی دو حکم متناقض یا متضاد به دست مکلف رسیده باشد. طبق دیدگاه شهید صدر در نسخ، از ابتدا دو حکم در عالم ثبوت جعل شده است و با فاصله زمانی طبق مصلحت، به مکلف رسیده است؛ پس شرایط تعارض را ندارد.

۴/۳. نقد نظریه انکار نسخ در آیات غیر ناظر

چنانکه اشاره شد، آیت‌الله خویی رحمته‌الله‌علیه با استدلال بر آیه ۸۲ سوره مبارکه نساء، ناسخ و منسوخ در آیات غیر ناظر را انکار کرده و پذیرش نسخ در چنین آیاتی را پذیرفتن تناقض و اختلاف در قرآن دانسته است؛ زیرا در مواردی که آیه ناسخ ناظر بر آیه منسوخ است، آیه دوم

1. <https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/mostafavi/feqh/92/921205/>

بدون آیه اول مبهم است و آیه دوم به گونه‌ای مطرح شده است که حالت تکمیلی یا تدارک گذشته را دارد؛ اما در آیات غیر ناظر به سبب وجود تنافی بین مدلول دو آیه و برطرف نشدن آن با قواعد جمع عرفی، به ناسخ بودن آیه دوم حکم شده است و ایشان نسخ در این گونه آیات را به سبب لزوم پذیرش اختلاف و تنافی در آن انکار می‌کند.

اختلاف مورد نظر آیه شریفه، اختلاف حقیقی در متن واقع و نفس الامر (تناقض حقیقی) است که بر پایه دلایل عقلی و قرآنی و واقعیت خارجی، در قرآن حکیم حتی یک حکم متناقض به صورت تناقض حقیقی وجود ندارد؛ اما اگر اختلاف دو آیه صوری و ظاهری باشد، چنانکه در مسئله ناسخ و منسوخ چنین است، هرگز با اطلاق آیه تناقض و تضادی ندارد؛ (مولایی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۳۷۲) زیرا تنافی بین دو دلیل، شرایطی از جمله وحدت زمان دارد. بدون شرط وحدت زمان، تنافی حقیقی محقق نمی‌شود. از طرفی یکی از شرایط وقوع نسخ، تنافی بین دو دلیل است؛ اما این تنافی در صورتی که وحدت زمان را بین دو آیه فرض کنیم، شکل می‌گیرد؛ زیرا دو دلیل بدون قید زمان انشاء شده و همان طور که علامه طباطبایی رحمته‌الله تصریح کرده‌اند، تنافی ظاهری در لفظ وجود دارد و این تنافی، تعارض حقیقی و واقعی نیست.

همچنین چنانکه در تعریف تعارض بیان شد، تنافی بین دو دلیل در عالم اثبات تعارض نامیده می‌شود؛ یعنی در حالی که در مقام ثبوت یک حکم جعل شده باشد، ولی دو دلیل که تکذیب‌کننده یکدیگر هستند؛ به مکلف رسیده باشد، اما طبق دیدگاه شهید صدر نسخ، امری موافق با سیره عقلاست که تنها بر تبدیل حکم دلالت می‌کند و در عالم ثبوت بر اساس مصلحت، دو حکم جعل شده است و تنافی بین دو دلیل به حسب دلالت و مقام اثبات نخواهد بود؛ زیرا دلیل ناسخ تکذیب‌کننده دلیل منسوخ نیست و از بحث تعارض اصولی خارج است و یا اگر نسخ، نوعی تخصیص از نظر شاخص زمان در نظر گرفته شود؛^۱ یعنی آیه ناسخ پایان زمان حکم منسوخ را کشف کند، در این صورت تناقض آن از نوع تناقض غیر مستقر است که

۱. از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، نسخ در حقیقت تخصیص زمانی حکم است. (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۴۵)

به تصریح آیت‌الله خویی رحمته‌الله از تناقض خارج می‌شود. (خویی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۱۷ و ۴۱۸)^۱

بنابر این تعارض میان دو آیه ناسخ و منسوخ، تعارضی ظاهری است و از مصادیق اختلاف بین دو آیه محسوب نمی‌شود؛ بلکه چون در زمان مخصوص خود سودمند و لازم است، گرچه از نظر زمان و ظرف اجتماع متباین است؛ ولی استقرار هر یک در جایگاه نافع خود باعث می‌شود که نسبت تباین به تناسب تبدیل شود و زمینه تشکیل یک نظام کارآمد را فراهم کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۱۰۸) توجه به این نکته اهمیت دارد که در صورتی که تنافی ظاهری بین دو آیه از راه‌های دیگری که در علم اصول فقه به آن پرداخته شده است، برطرف شود؛ مقدم بر نسخ است؛ یعنی اگر نسبت بین دو آیه مثلاً عام و خاص یا مطلق و مقید باشد، این دو آیه ناسخ و منسوخ شمرده نمی‌شوند.

نکته قابل توجه دیگر این است که با بررسی فتاوای فقهی آیت‌الله خویی رحمته‌الله چنین به نظر می‌رسد که در فتاوای ایشان اثری از برخی آیاتی که از نظر ایشان منسوخ نیست، دیده نمی‌شود. گویا ایشان در مقام عمل با تعدادی از آیات به شکل منسوخ برخورد کرده‌اند. برای مثال آیات ۱۵ و ۱۶ سوره مبارکه نساء که با وجود اینکه ایشان این آیات را منسوخ نمی‌دانند، اما در فتاوای ایشان در این باب هیچ اثری از احکام آیات سوره نساء دیده نمی‌شود. (ر.ک: شاهرودی، قربانی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷، ۱۱۳)

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی دلیل آیت‌الله خویی رحمته‌الله بر محدودیت تعداد آیات منسوخ انجام گرفت. اولین یافته‌ای که به دست آمد، این بود که آیت‌الله خویی رحمته‌الله وقوع نسخ را در مواردی که آیه ناسخ ناظر به آیه منسوخ نمی‌باشد؛ به سبب لزوم پذیرش اختلاف بین

۱. ان التنافی بین مدلولین اما ذاتی و اما عرضی. والمراد بالتنافی الذاتي ما كان التنافی بينهما باعتبار مفهومهما العرفی بالمطابقة او بالالتزام والمراد بالتنافی العرضی ما كان التنافی بينهما من جهة امر خارج عن مدلولهما العرفی... و ظهر مما ذكرناه من معنى التعارض: ان موارد التخصص و الورد و الحکومه و التخصیص خارجة عن التعارض، لعدم التنافی بین مدلول دلیلین فی هذه الموارد.

دو آیه انکار می‌کنند، در حالی که خداوند متعال نبودن اختلاف در قرآن را دلیل الهی بودن قرآن بیان فرموده و حتی گروهی از مفسران همچون آیت‌الله خویی رحمته‌الله، آن را از وجوه اعجاز قرآن می‌دانند. با پذیرش اختلاف بین آیات، الهی بودن قرآن و بنا بر نظر گروهی از مفسران، یکی از وجوه اعجاز قرآن مورد تردید جدی قرار می‌گیرد. با انکار نسخ در آیات غیر ناظر، تعداد آیات منسوخ در قرآن از نظر آیت‌الله خویی رحمته‌الله بسیار محدود شده است. از دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله تنافی بین آیه ناسخ و منسوخ، تعارضی ظاهری است و از قبیل اختلاف بین آیات نمی‌باشد؛ زیرا زمان صدور آیه ناسخ و منسوخ یکی نیست و شرط وحدت زمان که یکی از شرایط تحقق تعارض است، محقق نشده است و میان ناسخ و منسوخ تناقض و اختلاف واقعی وجود ندارد و اختلاف آن ظاهری و صوری است.

از نظر مبانی علم اصول فقه، نسخ امری موافق با سیره عقلاست که بر تبدیل حکم در عالم ثبوت دلالت می‌کند و تنافی بین دو دلیل به حسب دلالت و مقام اثبات نخواهد بود و از بحث تعارض اصولی خارج است و یا نسخ نوعی تخصیص از نظر شاخص زمان است که در این صورت از نوع تناقض غیر مستقر است؛ به همین سبب، به نظر می‌رسد دلیلی بر انکار وقوع نسخ در آیات غیر ناظر وجود ندارد.

فهرست منابع

کتاب‌ها

۱. ابن فارس، ابوالحسین احمد، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۳. انصاری، مرتضی، ۱۴۱۹ق، فرائد الاصول، چاپ چهارم، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۴. اوسی، علی رمضان، ۱۳۸۱ش، روش علامه در تفسیرالمیزان، ترجمه سید حسین میرجلیلی، چاپ اول، تهران: نشر بین الملل.
۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۳ش، تفسیر تسنیم، چاپ اول، قم: إسرائ.
۶. خراسانی، محمدکاظم، ۱۴۳۸ق، کفایه الاصول، چاپ هشتم، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۷. خوبی، سیدابوالقاسم، ۱۴۱۸ق، البیان فی تفسیر القرآن؛ چاپ اول، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوی.
۸. _____، ۱۴۲۲ق، مصباح الاصول، چاپ اول، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوی.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالشامیه.
۱۰. زرقانی، محمد عبدالعظیم، [بی تا]، مناهل العرفان فی علوم القرآن، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. زرکشی، محمد بن بهادر، ۱۴۱۰ق، البرهان فی علوم القرآن، چاپ اول، لبنان: دارالمعرفه.
۱۲. زید، مصطفی، [بی تا]، النسخ فی القرآن الکریم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۳. سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۸۷ش، الموجز فی اصول الفقه، چاپ ۱۴، قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
۱۴. صدر، محمدباقر، ۱۴۱۷ق، بحوث فی علم الاصول؛ ترجمه سید محمود هاشمی شاهرودی، چاپ دوم، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
۱۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۴ش، تفسیر القرآن الکریم، چاپ اول، قم: انتشارات بیدار.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
۱۸. علم الهدی، شریف مرتضی، ۱۴۱۱ق، الذخیره فی علم الکلام، چاپ سوم، قم: مؤسسه النشر للاسلامی.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، کتاب العین، چاپ دوم، قم: دارالهجره.
۲۰. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸ش، تفسیر کنزالدقایق و بحرالعجایب، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۱. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹ش، فرهنگ نامه اصول فقه، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۲. مظفر، محمد رضا، ۱۳۸۲ش، المنطق، چاپ دوم، قم: دارالعلم.
۲۳. معرفت، محمد هادی، ۱۳۸۱ش، علوم قرآنی، چاپ ۱۴، قم: مؤسسه انتشاراتی التمهید.
۲۴. مولایی نیا، عزت الله، ۱۳۹۰ش، نسخ در قرآن، چاپ اول، قم: انتشارات دانشگاه قم.



مقاله‌ها

۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی و حامد شاه‌بیگی، ۱۳۹۷ش، «بررسی دیدگاه مستشرقان درباره نسخ آیات قرآن»، فصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، سال سیزدهم، ش ۲۵، ص ۶۳-۸۸.
۲. شاهرودی، محمدرضا و رضا قربانی‌زرین، ۱۳۸۹ش، «بررسی مفهوم و شروط نسخ از دیدگاه آیت‌الله خویی»، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، دوره ۴۳، ش ۱، ص ۹۹-۱۱۸.

سایت‌ها

۱. وبسایت مدرسه فقاقت، «درس خارج فقه استاد مصطفوی»، ۱۳۹۲/۱۲/۰۵.

